

مشکلات انسان معاصر و ضرورت بازخوانی اسلام در اندیشه اسلامی با تأکید بر آرای شهید صدر

سید مهدی موسوی^۱
علی سرلک^۲

چکیده

هدف: هدف این مقاله بررسی مشکلات انسان معاصر و تبیین ابعاد حیات اجتماعی انسان و ضرورت بازخوانی اجتهادی آموزه‌های اسلام به عنوان مکتب زندگی ساز از منظر اندیشه اسلامی و آرای آیت‌الله شهید سید محمدباقر صدر است. **روش:** روش تحقیق از نوع توصیفی و تحلیلی است. **یافته‌ها:** به اعتقاد شهید صدر، پرسش از نظام برتر برای زندگی و سعادت انسان، مهم‌ترین پرسش انسان معاصر است که علم مدرن از پاسخ به آن عاجز است و مکاتب غربی نیز به علت محدود بودن آرمان‌هایشان نتوانستند مبنای خوبی برای مشکلات انسان معاصر باشد. تنها راه مسیر صلاح بشر، پناه بردن به دین است؛ زیرا دین می‌تواند با هماهنگی کردن انگیزه‌های درونی انسان با حیات اجتماعی، توده‌ها را بر اساس معیار عملی و نظم اجتماعی، متحد و هماهنگ سازد و مصالح اجتماعی و نیازهای زندگی انسان را در چارچوب منسجم حفظ و هدایت کند. **نتیجه‌گیری:** اسلام، چون «الله» را ایده‌آل مطلق خود قرار داده است، پس پیوسته می‌تواند مردم را به حرکت درآورد و نیرو ببخشد و مبنای محکمی برای نظم اجتماعی، ساخت جامعه و تمدن باشد. بنابراین، توجه به بازسازی مکتب فکری اسلام و شکل‌گیری نظام‌های اسلامی در سایه توحید، اولین قدم برای شکل‌گیری جامعه توحیدی، علم دینی و تمدن نوین اسلامی است.

واژگان کلیدی: انسان معاصر، روابط اجتماعی، مشکلات اجتماعی، نیاز به دین، اسلام، مکتب، سید محمدباقر صدر.

دریافت مقاله: ۹۳/۰۹/۱۵؛ تصویب نهایی: ۹۴/۰۲/۱۲

۱. خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم؛ پژوهشگر(نویسنده مسئول) / آدرس: قم، بلوار غدیر، شهرک مهدیه، خ انتظار /

Email: 121taha@gmail.com

۲. خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم؛ عضو هیئت علمی دانشگاه هنر تهران.

الف) مقدمه

بیش از یک قرن است که اندیشمندان مختلفی در سراسر جهان پی برده‌اند که مشکلات اساسی در زندگی انسان معاصر به وجود آمده است؛ مشکلاتی که موجب مسخ آدمی، اضطراب و یأس او و در نهایت، بی‌بنیانی حیات اجتماعی شده است. درباره چستی و چرایی این مشکلات و راه علاج آن، تحلیلهای متعدد و آرای فراوانی از منظرهای مختلف فلسفی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و ... ارائه شده است که میان بسیاری از آنها تناقض یا تعارض وجود دارد. آنچنان که همین تشنّت آرا نه تنها از مشکلات انسان معاصر نکاسته، بلکه بر آن نیز افزوده است.

در میان اندیشمندان مسلمان، شخصیت‌های برجسته‌ای در این باره اظهار نظرهای قابل توجهی کرده‌اند؛ از جمله آیت‌الله سید محمدباقر صدر (۱۳۵۸-۱۳۱۳ ش) که از اوان جوانی سعی در شناخت انسان معاصر و کشف مشکلات جهان متجدد داشت و به تدریج و در آثار متعدد به تبیین جامعی از چستی و چرایی مشکلات انسان معاصر پرداخت. در زمانه‌ای که گرایش جوانان به افکار و شعارهای انقلابی چپ‌گرایان در کشورهای اسلامی و عربی به اوج خود رسیده بود و گروهی دیگر جذب ظواهر دلبرای لیبرالیسم شده بودند، شهید صدر از منظر عقلی و اسلامی به سنجش مکاتب غربی به خصوص مارکسیسم و لیبرالیسم و علل ناتوانی آنها در حلّ معضلات و مشکلات انسان برآمد. پس از آن تلاش کرد تا با رویکردی انسان‌شناسانه و کمک از آموزه‌های اسلامی، راهی برای خروج انسان از این وضعیت اسفبار ارائه کند.

اگر چه قریب به نیم قرن از تأملات و تفکرات آن اندیشمند فرزانه گذشته است، اما همچنان اندیشه‌های وی که از آبخور معارف و منابع اسلامی سیراب شده است می‌تواند راهگشای فهم جهان معاصر، شناخت عمیق علم مدرن و تمدن غربی و تحلیل انسان‌شناختی از مشکلات انسان متجدد باشد و همچنین می‌تواند مبنایی جامعه‌شناختانه از چگونگی جامعه‌سازی اسلامی و تولید علم دینی قلمداد شود. از این رو، این نوشتار درصدد است تا به توصیف و تحلیل اندیشه‌های آیت‌الله سید محمدباقر صدر در باب تبیین مشکلات انسان معاصر، تحلیل حیات اجتماعی انسان، سنجش مکاتب غربی در مواجهه با مشکلات انسان و ضرورت بازسازی اسلام به عنوان مکتب زندگی ساز بپردازد.

ب) مشکلات انسان معاصر

شهید صدر در تحلیل چرایی وقوع مشکلات در زندگی انسان معاصر، به تحلیل تاریخی دین مسیحیت و نقش کلیسا در زندگی انسان غربی روی می‌آورد و معتقد می‌شود که به واسطه اشتباهات کلیسا و تحریفات دین مسیحیت و دشمنی آنان با عقل و غرایز بشری، دنیای غرب و تمدن جدید از حقیقت دین به دور افتاد و مسیر افراط در غرایز بدون قید و شرط را در پی گرفت؛ تا جایی که در نظریات علمی، انسان

مشکلات انسان معاصر و ضرورت بازخوانی اسلام ... ❖ ۲۴۷

همسان حیوان تلقی شد (صدر، بی‌تاج: ۷۲). انسان جدید در برابر طرد و تکفیر مسیحیت، عقل را از قیودی که مسیحیت ساخته بود، آزاد کرد و آن را به جای دین به آقایی رساند؛ اما سلطنت عقل نیز به تدریج فروکش کرد و دانشمندان حسی آمدند و عقل را از حکومتش فرود آوردند و تنها راه شناخت واقعی طبیعت را حس و طبیعت اعلام کردند و در نهایت، عقل را انعکاسی از ماده در حس معرفی کردند. در نتیجه به مادیت انسان و تقلیل او به حیوان و عریان ساختن وی از همه مفاهیم ارزشمندی که بدون آنها انسانی وجود ندارد منجر شد (همان: ۷۶-۷۵). در چنین شرایطی نظام فکری که انسان غربی به جای مسیحیت پایه‌گذاری کرد، همچون مسیحیت^۱ غیر انسانی است؛ زیرا جنبه مادی را گرفته و بُعد روحی بشر را انکار کرده است (همان: ۷۶). شهید صدر معتقد است: «در تمدن جدید، انسان موجودی است مسلوب الاختیار و محکوم به حرکت در مسیری خاص که از آن تخطی نمی‌کند و نمی‌تواند بکند. مکتبهای مختلف اجتماعی و اقتصادی، و بحثهای روانی، هر کدام به سهم خود کوشیدند این نظریه را به انسان تزریق کنند» (همان: ۷۸-۷۷)؛ چرا که اگر انسان از آزادی درونی تجرید شد و او را چیزی جز فرآورده مادی تفسیر نکردند، چیزی از انسانیت انسان را باقی نگذاشته‌اند. از این رو، هم آزادی او را سلب کرده‌اند و هم مسئولیت او را نفی؛ و اگر مسئولیت برداشته شد، اخلاق رخت بر می‌بندد. همین نگاهها موجب بیماری ملل به اصطلاح متجدد عصر حاضر شده است که به طور مفتضحانه و تند در وادی لذتهای پست و انحرافات جنسی و روانی کشیده شده‌اند و امراض عصبی به صورتی هولناک منتشر شده است.

شهید صدر معتقد است دانشی که بشر برای رویاهای دل‌فریب و کامیابی‌های بزرگ بدان دلبسته بود و غیر آن را رها کرده بود، نتوانست آرزوهایش را برآورد؛ چرا که هر چه علم جدید به تأمین رفاه و وسایل آسایش بشر و استقرار زندگی دنیوی مشغول شد، نتوانست ثبات روحی را استقرار ببخشد یا عقده‌های اجتماعی انسان را بگشاید یا پناهگاهی برای روان وی بیافریند. در چنین شرایطی، انسان معاصر نیازمند مثل اعلی و نمونه برتری است که در خور انسانیت باشد تا بتواند در سایه آن هدفی شایسته و صحیح برگزیند و سعادت و ثبات او را تضمین کند تا از رنجها و دردهایی که با آن دست به گریبان است نجات یابد و با همه ابعاد وجودی و همه جوانب و جهات شخصیت او پیوندی صحیح و پایدار برقرار کند (همان: ۱۱۲-۱۱۱). بنابراین، بزرگ‌ترین پرسش انسان معاصر این است که کدام نظام و سیستم اجتماعی به سود انسانها بوده و سعادت و رفاه آنان را تأمین می‌کند؟ (صدر، ۱۴۲۹ج: ۱۵). از نظر شهید صدر، انسان معاصر نسبت به گذشته با پرسش مذکور بیشتر درگیر شده است؛ زیرا امروزه انسانها به خوبی فهمیده‌اند که مشکل مزبور ساخته دست خودشان است و نظام سیاسی و اجتماعی همچون یک قانون طبیعی نیست که برای تحقق آن باید چشم به

۱. به نظر شهید صدر، دینی که در کتاب مقدس همه مردم به جز طایفه یهودی و اسرائیل را سگ می‌داند، هرگز انسانی نبوده و نیست. (صدر، بی‌تاج: ۸۲)

آسمان دوخت و چاره‌ای جز تسلیم و انتظار نداشت. بدین ترتیب، روحیه ناامیدی به روحیه پرسشگری و اصلاح‌طلبی بدل شده است؛ یعنی به دنبال یک نظام بهتر و کارا تر هستند. از سوی دیگر، انسان معاصر به جهت سیطره بر طبیعت، مجموعه‌ای وسیع از دستاوردها و تجارب را به دست آورده که موجب دشوارتر و پیچیده‌تر شدن اوضاع انسان و اهمیت نظام اجتماعی شده است (صدر، ۱۳۸۱: ۲۳۱) و بالأخره در پاسخ به این نیاز اساسی و پیچیده، مکاتب مختلفی برآمده و داعیه رفاه و سعادت بشر را دارند. (صدر، ۱۴۲۹: ج، ۱۷-۱۶)

ج) تفاوت روابط انسان و طبیعت با روابط اجتماعی

در اندیشه صدر، جامعه بشری تنها پدیده‌ای مادی نیست، بلکه تجلی معنویات نیز است. جامعه، ساخته نگرش اعتقادی حیات گروهی از مردم است که در قالب عقیدتی مشترک میان آنان ریخته شده است (صدر، بی‌تا/ج: ۸۸). بدین جهت، جامعه از سه عنصر انسان، طبیعت و پیوندهای اجتماعی در مسیر تاریخی تشکیل می‌شود. در چنین بستری، دو دسته تجربیات و ارتباطات برای انسان متصور است. ارتباط با طبیعت و ارتباط با سایر انسانها. این دو ارتباط، معیار از یکدیگر و نسبتاً مستقلند (صدر، ۲۰۰۹: ۱۳۸۱). به نظر صدر، مواجهه با تجربه‌ها و پرسشهای اجتماعی انسان بسیار مشکل‌تر از برخورد با مسائل طبیعی و معرفت اسرار آنهاست؛ چرا که فرقه‌های اساسی میان آنها وجود دارد.

۱. ویژگی‌های روابط انسان با طبیعت

انسان در مواجهه با طبیعت، قادر است که تجربیات علمی خود را به خدمت بگیرد و توانسته سلطه خود را بر طبیعت بگستراند و ضمن بهره‌برداری از طبیعت، دائم بر تجربه و دانش خود در کشف اسرار آن بیفزاید. در تجربیات طبیعی و کشف طبیعت، انسان به تنهایی و فردی می‌تواند اقدام کند و از طریق علم، از اسرار طبیعت و قوانین آن آگاه شود و از آنها استفاده کند. تجربیات و آزمایشهای طبیعی از وضوح و شفافیت بیشتری نسبت به امور اجتماعی برخوردار است و تنها هدف عالمان و دانشمندان، کشف حقیقت و اکتشاف واقع است و عالم طبیعت می‌تواند حقیقت بودن نظر و فهم خود را اثبات کند و به دیگران نشان دهد و از این طریق می‌تواند قاعده و قانونی عام را برای همه بشریت بیان کند که متعلق به جامعه خاصی نباشد. (صدر، ۱۴۲۹: ج، ۲۸-۲۴)

البته شهید صدر معتقد است در روابط انسان با طبیعت، مشکلات و تعارضاتی وجود دارد که ناشی از عصیان و تمرد طبیعت و طغیان آن از اطاعت انسان است. اما این تناقض و تعارض، راه حل روشنی دارد که عبارت است از شناخت و آشنایی با قانون طبیعت. انسان هر چه از جهلش نسبت به طبیعت بکاهد و به زبان و قوانین طبیعت آشناتر شود، به همان نسبت تسلطش بر طبیعت و قدرت او بر رام کردن طبیعت در مقابل نیازهایش افزوده می‌شود. لازمه این شناخت، آزمون، تمرین و تجربه است؛ یعنی انسان با تمرینهای عملی و

مشکلات انسان معاصر و ضرورت بازخوانی اسلام ... ❖ ۲۴۹

آزمونهای مختلف روی طبیعت، قدرت شناختش بیشتر می‌شود و هر چقدر تمرینها افزایش و تطبیقهایش با خارج بیشتر شود، به تدریج راه حلهایی برای مشکل تعارض با طبیعت کشف می‌شود. شهید صدر آیه «وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا» (ابراهیم: ۳۴) در قرآن کریم را به همین مضمون تفسیر می‌کند؛ یعنی از هر چیزی از نعمتهای الهی سؤال کنید، جستجو کنید و درخواست عملی کنید، خداوند به شما عطا می‌کند. بنابر این، «قانون التآثیر المتبادل بین الخیره والممارسه» (صدر، ۱۴۲۸: ۱۵۹) (قانون تأثیر متقابل بین آزمودگی و تمرین) بر طبیعت حاکم است. (صدر، ۱۳۸۱: ۲۱۲-۲۱۰)

شهید صدر معتقد است که چون در رابطه انسان با طبیعت، انگیزه‌های درونی هماهنگ با مصالح عمومی است، خداوند نیروی عظیم عقل را در اختیار بشر قرار داد تا طبیعت را به تسخیر خود درآورد. برای مثال، داروی سل از آن جهت که به نفع همه انسانهاست، متخصصان را وامی‌دارد تا برای کشف و ساختن داروی آن برانگیخته شوند. از این رو، به جهت وجود انگیزه درونی و هماهنگی آن با مصالح طبیعی، هر روز در زمینه مواهب طبیعی که در هستی وجود دارد، ابتکارات و اختراعات جدیدی به منصفه ظهور می‌رسد که فی‌نفسه هماهنگ با مصالح عمومی بشر است. به همین جهت، دین و دستورات آسمانی در حوزه‌های طبیعی مثل فیزیک، شیمی و طب، دستورات خاص آسمانی ندارد و جزء «منطقه الفراغ» محسوب می‌شود و در خصوص آنها به نیروی عقل بشر و آزمایش و ممارست او اکتفا شده است (صدر، ۱۳۵۰: ۳۸۶-۳۸۵). شهید صدر در این باره می‌نویسد: «أَنَّ الْإِنْسَانَ رَكْبٌ تَرْكِيبًا نَفْسِيًّا وَفِكْرِيًّا خَاصًّا يَجْعَلُهُ قَادِرًا عَلَى تَوْفِيرِ الْمَصَالِحِ الطَّبِيعِيَّةِ، وَتَكْمِيلِ هَذِهِ النَّاحِيَةِ مِنْ حَيَاتِهِ عِبْرَ تَجْرِبَتِهِ لِلْحَيَاةِ وَالطَّبِيعَةِ» (صدر، ۱۴۲۹/الف: ۳۵۰). بنابر این روابط انسان با طبیعت در نتیجه تکامل شناخت طبیعت و پیشرفت ابزارها و روشهای بهره‌برداری از آن تغییر می‌کند و تکامل می‌یابد.

۲. ویژگی‌های روابط اجتماعی انسان

اما ویژگی‌هایی که در امور طبیعی و روابط انسان با طبیعت است، در تجربیات اجتماعی و روابط انسانی انسان نیست و به همین جهت کار را مشکل کرده است. شهید صدر می‌نویسد: «أَنَّ التَّجْرِبَةَ الطَّبِيعِيَّةَ قَدْ تَكُونُ قَادِرَةً عَلَى مَنَحِ الْإِنْسَانَ عِبْرَ الزَّمَنِ فِكْرَةً كَامِلَةً عَنِ الطَّبِيعَةِ، يَسْتَخْدِمُهَا فِي سَبِيلِ الْإِسْتِفَادَةِ مِنْ ظَوَاهِرِ الطَّبِيعَةِ وَقَوَانِينِهَا. وَأَمَّا التَّجْرِبَةُ الْاجْتِمَاعِيَّةُ فَهِيَ لَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَضَمَّنَ لِلإِنْسَانِ إِيجَادَ هَذِهِ الْفِكْرَةِ الْكَامِلَةِ عَنِ الْمَسْأَلَةِ الْاجْتِمَاعِيَّةِ» (صدر، ۱۴۲۹/ج: ۲۴). به نظر صدر، ۱. مسائل اجتماعی را نمی‌توان به صورت فردی و شخصی شناخت و حل کرد. امور اجتماعی فراتر از اراده و اختیار یک نفر و حتی فراتر از یک مرحله تاریخی است. لذا تمام تجربیات بشر در اختیار شناخت تجربی و ابزار مشاهده انسان نیست. ۲. همچنین در امور اجتماعی و انسانی، اغراض و اهداف بازیگران انسانی، نقش جدی دارد و چنین نیست که متفکران حقیقتاً به دنبال کشف حقیقت و واقع باشند، بلکه اغراضی همچون استثمار و بهره‌کشی از دیگران در این گونه تجربیات وجود دارد. لذا در بسیاری از مواقع، انگیزه‌های درونی انسان با مصالح عمومی و اجتماعی در تضاد است. ۳.

۲۵۰ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۳

بر فرض امکان شناخت امور اجتماعی، صحت تعمیم آنها محل شبهه و تردید است. ۴. تجربیات اجتماعی و نظامات فکری مرتبط با آن، نشان‌دهنده نوع نگرش طراحان آن و منعکس‌کننده توانایی‌ها و گرایشهای آنان است و نمی‌تواند انسانها را بیش از آنچه گفته‌اند، متعالی سازد. (همان: ۳۲-۲۵)

همین ویژگی‌ها در روابط انسانی و تجربیات اجتماعی است که تناقضی بس عمیق را به وجود آورده و در ساحات مختلف زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نفوذ کرده است. تناقض اساسی و مشکل اصلی در زندگی انسان، مشکل با طبیعت نیست، بلکه مشکل اصلی، تناقض اجتماعی بین انسانها در زمینه‌های اجتماعی است که به تعبیرها و رنگهای مختلف درمی‌آید. این تناقض میان قوی و ضعیف، گاهی به نام فرعون آشکار می‌شود، روز دیگر به نام طبقه و گاهی به نام ملت یا یک امت. همه آنها روح بهره‌کشی از ضعیف و استثمار در روابط اجتماعی را نشان می‌دهند. (صدر، ۱۳۸۱: ۲۱۴؛ ۱۴۲۸: ۱۶۰)

(د) ریشه مشکلات اجتماعی

در نگاه شهید صدر، مشکلات روابط انسانی بسیار عمیق است و فقط محدود به یک بُعد از زندگی انسان نیست؛ چرا که تناقضات اجتماعی ریشه در تناقضی ریشه‌دارتر؛ یعنی تناقض درونی انسان دارد. جدال بیرونی ریشه در جدال درونی انسان دارد (صدر، ۱۳۸۱: ۲۱۴؛ ۱۴۲۸: ۱۶۱). عامل اصلی جدال در درون انسان به واسطه غریزه حب نفس و حب ذات است که او را به سوی کسب منافع فردی و استخدام همه ابزارهای در آن جهت می‌خواند. وی در تعریف و تبیین حب ذات می‌نویسد: «حب الذات هو الغریزه التي لا تعرف غریزه أعم منها وأقدم، فكل الغرائز فروع هذه الغریزه وشعبها، بما فيها غریزه المعیسه. فإن حب الإنسان ذاته الذي یعنی حبه للذاته والسعاده لنفسه، و بغضه للألم والشقاء لذاته- هو الذي يدفع الإنسان الى كسب معیسته و توفير حاجياته الغذائیه والمادیه» (صدر، ۱۴۲۹: ج ۶۶). از این رو، عامل اصلی کشمکشهای سیاسی و اجتماعی، استثمار و بهره‌کشی اقتصادی ناشی از تسلط غریزه نفس و عدم مهار آن است. در چنین صورتی که حب ذات بر همه ابعاد گرایشی و معرفتی آدمی سایه افکند، دستیابی انسان به طبیعت و تسخیر آن، که فی نفسه بدون اشکال است نیز بر بهره‌کشی و استثمار میان انسانها می‌افزاید؛ یعنی ابزاری می‌شود برای زیاده‌خواهی‌ها و استثمارگری‌های انسان نسبت به هموعان. او می‌گوید: «هر قدر نیروی انسان بر طبیعت گسترش یابد و بر تسلطش روی طبیعت افزوده شود و ذخایر و گنجهای طبیعت را بیشتر بتواند به دست آورد و افزار تولید بیشتری فراهم کند، امکاناتش به همان نسبت برای بهره‌کشی در خط ارتباط انسان با انسان افزوده می‌شود» (صدر، ۱۳۸۱: ۲۳۰). به نظر صدر، زمانی که قرآن می‌فرماید: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِكَفْرٍ؛ أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْنَى» (علق: ۷-۶)، اشاره به همین حالت انسان دارد که قدرت انسان بر بهره‌گیری از طبیعت و نیرومندی او، موجب استثمار ناتوانان و بهره‌کشی از ضعیفان می‌شود.

مشکلات انسان معاصر و ضرورت بازخوانی اسلام ... ۲۵۱

بر این مبنای شناخت طبیعت و پیشرفت ابزار تولید، فی نفسه دارای مشکل یا عامل اصلی بهره‌کشی نیست، بلکه علوم طبیعی و ابزار، آلت و ابزاری بیش برای امکان و قدرت نیست. فقط انسان است که بر اساس محتوای درونی و ایده‌آلهایش از آن بهره می‌برد و در مسیر اهداف و محتوای درونی‌اش آنها را به استخدام می‌گیرد. اگر همین علوم و شناخت از طبیعت و ابزار استخدام طبیعت، در مسیر عدالت و روابط عادلانه اجتماعی باشد، موجب شکوفایی طبیعت و برقراری جامعه‌ای امن، دادگستر و بهتر می‌شود (صدر، ۱۳۸۱: ۲۳۳): «وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» (مانده: ۶۶)

هـ) ناتوانی علم مدرن از حل مشکلات اجتماعی

شهید صدر می‌نویسد: خیلی از مردم تصور می‌کنند چون علم تکامل شگفت‌انگیزی کرده است، می‌تواند معضلات اجتماعی را حل کند؛ زیرا انسانی که توانسته اتم را بشکافد و انرژی عظیم آن را آزاد سازد، بشری که توانسته فضا را تسخیر کند، مسلماً می‌تواند با کمک داده‌های علمی، اجتماع را متحد و سعادت‌مند کند! علم می‌تواند مصالح اجتماعی انسانها را تأمین کند و دیگر به هیچ منبع و مصدری نیازمند نباشد. وی در پاسخ به این ادعا می‌گوید: این ادعا در واقع جهل نسبت به وظایف علم در زندگی مردم است. وظیفه علم، کشف بی‌طرفانه حقایق خارجی در زمینه‌های مختلف است. اما دانستن و علم به تنهایی کافی نیست؛ چون علم به تنهایی هیچ تغییری را در عالم ایجاد نمی‌کند. آنچه لازم است انگیزه ذاتی انسان است که می‌تواند عامل حرکت و تغییر باشد. انگیزه ذاتی، نقطه‌ای است که از حب ذات سرچشمه می‌گیرد و ریشه معضلات اجتماعی است. (صدر، ۱۳۵۰: ۳۹۵-۳۹۲)

و) ناتوانی مکاتب غربی در حل مشکلات اجتماعی

پس از شناخت مشکل اساسی زندگی اجتماعی و روابط انسانی انسان و کشف ریشه‌های درونی آن، شهید صدر معتقد است تا زمانی که بشر به نیرویی مجهز نشود که بتواند بین انگیزه‌های درونی و مصالح اجتماعی سازگاری و هماهنگی ایجاد کند، تعارض اجتماعی همچنان وجود خواهد داشت. وی می‌نویسد: «تنها یک رسالت می‌تواند این مشکلی را که در روابط انسانها مطرح است، حل کند؛ رسالتی که در یک زمان در دو سطح کار می‌کند، رسالتی که برای برطرف کردن تناقضهای اجتماعی در میدان تاریخی تلاش می‌کند، ولی در همان وقت و قبل و بعد آن، جدال درونی انسان را می‌خواهد حل کند و تناقضهای اجتماعی را از سرچشمه بخشکاند» (صدر، ۱۳۸۱: ۲۱۴). هر گاه از سرچشمه جدال و تناقضهای درونی غفلت شود و تنها به تناقضهای اجتماعی در خارج از وجود انسان پرداخته شود تا به کمک وضع قوانین و تدبیرهای

بشری آن تناقضها را حل کرد، فقط یک بخش از رسالت و وظیفه به انجام رسیده و بخش اصلی مغفول واقع شده است و پس از مدتی همان مشکل و تناقض اجتماعی با همان چهره یا چهره‌ای متفاوت دوباره سر می‌زند.

بر همین مبنا، شهید صدر به نقد مکتب لیبرالیسم و مارکسیسم غربی می‌پردازد و معتقد است این دو مکتب نمی‌توانند مشکلات انسان معاصر را حل کنند. لذا نه تنها نسخه‌های تجویزی آنان ناقص است، بلکه خود عامل افزایش مشکلات انسان شده‌اند.

از نظر آیت‌الله صدر، تمدن غرب و خصایص آن بیش از آنکه محصول علم و کشف طبیعت باشد، محصول مکتب و نوع جهان‌بینی مسلط بر جوامع غربی است که آرمانها و ایده‌آلهای مردم غرب را ساخته‌اند. به نظر صدر، تمدن نوین غربی، خصیصه‌ای تک‌سویه و مادی از وجوه و ساحات مختلف انسانی ارائه داده و بر همین پایه و شناخت محدود، ایده‌آلها و اهداف نامحدود دنیوی را به بشر عرضه کرده است. آرمانها و ایده‌آلهای محدود و ناظر به آینده محدود، موجب تعمیم افقی در زندگی انسان شده است. شهید صدر می‌نویسد: انسان اروپایی در اوایل رنسانس ایده‌آل آزادی را در برابر غل و زنجیرهای کلیسا و سرسختی‌های عقاید علمی و دینی آن انتخاب کرد و تصمیم گرفت خود را از قید و بندهای کلیسا و فتودالیسم برهاند و از انسان، موجود آزادی بسازد تا هرگاه دلش خواست، هر کاری را با فکر و عقل خود بیندیشد، انتخاب کند و انجام دهد. به نظر صدر، این اندیشه، اندیشه صحیحی بود، ولی خطای آن در گسترش و تعمیم آن به همه ابعاد وجودی و ساختهای زندگی و اجتماع بود؛ چرا که آزادی و حریت یکی از ارزشها و چارچوبهای حیات آدمی است، ولی همه آن نیست و به تنهایی انسان‌ساز نیست. آزادی و رهایی از بندها فقط می‌تواند چارچوبی در راه پیشرفت و تکامل بشریت باشد، اما نیازمند محتوا و مضمونی متعالی است. اگر محتوا و ایده‌آل برتری نباشد، همین آزادی، بدبختی‌های خطرناک و بزرگی را به بار می‌آورد؛ همان طور که امروز تمدن غرب گرفتار بدبختی‌هایی است که از تعمیم و گسترش افقی ایده‌آل آزادی ناشی شده است (همان: ۱۷۵-۱۷۰)؛ زیرا حرکت در این جوامع تا زمانی است که به ایده‌آل جدید برسند و به محض رسیدن به آن، از حرکت باز می‌ایستند. شهید صدر می‌نویسد: آنها چیز محدودی را از حد خود بیرون کردند و آن را به عنوان ایده‌آل مطلق و نامحدود مطرح و از آن دفاع کردند و به همه زمانها تسری دادند و به همین جهت، به آینده محدود و مسافت محدودی دل بستند و وقتی به ایده‌آلشان رسیدند و سرچشمه ایده‌آلشان را پیدا کردند، دچار تکرار و ایستایی شدند. ایشان با استناد به آیات قرآن کریم، مراحل حیات چنین جوامعی را دارای چهار مرحله ذیل برمی‌شمارند (همان: ۱۸۳-۱۷۷):

۱. مرحله نوآوری و تجدد که در آن ایده‌آل، حکم آرمان و آرزو را دارد؛
۲. مرحله‌ای که مردم به ایده‌آلی که می‌خواستند (مثلاً آزادی) می‌رسند؛
۳. مرحله توقف و امتداد تاریخی؛ در این مرحله، طبقه مترف، آسایش طلب و متنعم پدید می‌آید؛
۴. مرحله تسلط ستمگرانی که هیچ‌گونه عهد و پیمانی را رعایت نمی‌کنند؛ مانند: هیتلر و نازی‌ها.

ز) نیاز به دین در حل مشکلات بشر معاصر

به اعتقاد صدر، در مواجهه با مسائل انسانی و تبیین عناصر اجتماعی و موانع جامعه، آنچه می‌تواند معضلات اجتماعی را حل کند "دین" است. به نظر او، دین که دارای ریشه فطری دارد همان انرژی روحی است که می‌تواند وجه مشترک انگیزه‌های ذاتی و مصالح عمومی را به وجود بیاورد و او را وادار کند که از لذت‌های خویشتن در گذرد، ایثار کند، و سود و منافع فردی خود را هم جهت با مصالح عام اجتماعی تعریف کند (صدر، ۱۳۵۰: ۳۹۶). به اعتقاد شهید صدر، دین حقیقی عبارت است از آیین توحید و یگانه پرستی که می‌تواند توده‌ها را در معیار عملی و نظم اجتماعی متحد و هماهنگ سازد و مصالح اجتماعی و همه جوانب مختلف زندگی را در چهارچوب آن حفظ کند. اما ادیانی که بر پایه شرک استوار شده‌اند حقیقت نیستند بلکه خود رهاورد معضل اجتماعی هستند. شهید صدر می‌نویسد: تنها دین حنیف و قیم اسلام می‌تواند بدون موانع، راه سعادت در زندگی اجتماعی را به انسان بنمایاند چرا که دینی قائم بر وحی و اعطا شده از سوی خداوند است و منبعث از فکر و قدرت محدود بشر نیست: «دیناً قائماً علی أساس الوحی و معطیاً إلهیاً، لا فکراً تجریباً منبثقاً عن قدرة الإنسان وإمكاناته» (صدر، ۱۴۲۹/ج: ۳۳). این دین قادر است میان اختلافات ذاتی بشر توافق ایجاد کند و میان مصالح و شئون مختلف حیات انسان، وحدت برقرار سازد. بنابراین این دین مبتنی بر فطرت و وحدت میان همه‌ی شئون حیات اجتماعی و حاکمیت توحید بر سراسر هستی مشکلات اساسی انسان معاصر را در زندگی اجتماعی و روابط انسانی علاج کند. (صدر، ۱۴۲۹/الف: ۳۵۹)

خصیصه مهم دین اسلام برای حل مشکلات انسان معاصر، در تعیین ایده‌آل و آرمانی است که مطرح می‌کند و آن ارائه ایده‌آل مطلق و نامحدود؛ یعنی خداست. «نقش توحید در این است که دید فکری و ایدئولوژی روشنی» به ما می‌دهد. توحید همه آرمانها و هدفهای انسان را یکجا در یک ایده‌آل برتر یگانه؛ یعنی خداوند سبحان جمع می‌کند. (صدر، ۱۳۸۱: ۲۰۳) شهید صدر می‌گوید: این هدف مطلق است که پیوسته می‌تواند مردم را به حرکت درآورد و نیرو ببخشد (صدر، ۱۴۲۹/ب: ۱۶۹) و همواره تغییر کمی و کیفی را به همراه دارد. تغییر کمی از آن جهت است که راه به سوی ایده‌آل مطلق «الله» باز و غیر منتهی است؛ یعنی مجال خودسازی، تکامل و پیشرفت همیشه موجود است و پیوسته در حال مبارزه با همه گونه خدایان و ایده‌آلهای پست و تکراری است (صدر، ۱۳۸۱: ۱۹۱). اما تغییر کیفی از آن لحاظ است که به انسان احساس مسئولیت عمیق و درونی بر اثر ایمان به مطلق می‌دهد و همین احساس مسئولیت است که تناقض انسان و درگیری و جدال درونی او را حل می‌کند (همان: ۱۹۲، ۱۹۴). به عقیده شهید صدر، انسانی که «الله» را هدف و سرمزول برای سیر و مسیر خود قرار می‌دهد، صفات و خواهی‌های خدا را همچون نشانه‌هایی برای این هدف بزرگ می‌شمارد. دادگری، دانش، توانایی، نیرومندی، مهربانی و بخشندگی را بر روی هم، تشکیل دهنده هدف مسیری می‌داند که در پیش گرفته است. هر گامی که به این هدف نزدیک‌تر و هر اندازه از آن برایش محقق شود، دیدگاههای فراخ‌تری در برابرش گشوده می‌شود و آتش شوق و اراده او - برای

۲۵۴ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۳

پایداری در راه - افزایش می‌یابد؛ زیرا انسان محدود نمی‌تواند به «الله» که مطلق و نامتناهی است برسد، ولی در راه خود به سوی او، هر چه گامهای بیشتری بردارد، به جاهای تازه‌ای راهنمایی می‌شود و راه، او را به افزودن بر کوشش خویش وا می‌دارد: «و کسانی که در راه ما مجاهده کردند، البته ما راههای خود را بدیشان خواهیم نمود». (صدر، ۱۴۲۹: ب: ۱۶۸)

به نظر شهید صدر، حرکت در مسیر ایده‌آل مطلق متوقف بر امور ذیل است (صدر، ۱۳۸۱: ۲۰۶-۱۹۹):

- ۱- دید فکری و ایدئولوژیکی روشن نسبت به ایده‌آل مطلق؛ یعنی فهم درست توحید و عقیده داشتن به آن و متصف شدن به صفات الهی در مقام عمل.
- ۲- حرکت اراده به کمک نیروی روحی حاصل از عقیده به توحید، به عنوان یک نیروی سوخت دائم.
- ۳- ارتباط دائمی با ایده‌آل مطلق از طریق پیامبر (ص).
- ۴- نبرد و مبارزه علیه ایده‌آلهای پست و خدایان ساختگی به رهبری امام جامعه.
- ۵- اعتقاد به آینده درخشان که در نهایت، وصول به کمال مطلق و قرب به خدا خواهد بود.

بنابر این، در جهان معاصر، تنها اسلام است که به جهت دارا بودن همه لوازم برای حرکت در مسیر ایده‌آل مطلق و نامحدود، می‌تواند انسان را از بندهایی که به نابودی و هلاکتش می‌کشاند، رهایی بخشد و او را از تمام انواع عبودیت‌های فکری، اجتماعی و مادی آزاد کند. شهید صدر می‌نویسد: «جز مکتب عالی اسلام که اساس آن تسلیم مطلق در برابر خدا و قوانین خدایی بودن است، دیگر مکتبی وجود ندارد؛ مکتبی که از انسان، نیرویی خلاق و عنصری شکست‌ناپذیر و موجودی فعال که در کامیابی و بهره‌گیری‌ها حاکمیت داشته و لذت و بهره را در راه رسیدن به یک حیات توأم با سعادت به سوی آینده‌ای بهتر به کار می‌گمارد، می‌سازد» (صدر، بی‌تا/ج: ۱۱۲؛ همچنین ر.ک: ۱۴۲۹: ج: ۷۶؛ ۱۳۵۰: ۳۹۸). به همین جهت مهم‌ترین دغدغه شهید صدر، تحقق عینی و عملی اسلام در حیات فردی و تمام ساختارهای اجتماعی انسان اعم از فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بود. به نظر صدر دین اسلام ریشه در فطرت انسان دارد و دارای رسالت جهانی است و اختصاصی به گروه خاص و وطن مخصوصی ندارد. اسلام دینی است که انسانیت را در همه جنبه‌هایش، اعم از جنبه‌های مادی، جسمی، روحی، فردی و اجتماعی فرا گرفته و برای حال و آینده بشریت برنامه دارد و تا انقراض عالم باقی خواهد ماند و هرگز دین جدیدی نخواهد آمد (صدر، بی‌تا/ج: ۵۸). در دیدگاه شهید صدر، دین قلمرو وسیعی دارد و همه جنبه‌های حیات انسانی را به طور مستقیم یا غیر مستقیم شامل می‌شود. به نظر وی، دین یک سنت الهی برای انسان و جامعه و یک عنصر مقوم حیات بشری است، نه یک عنصر عارضی و تحمیلی که بتوان آن را کنار نهاد یا نادیده گرفت. او می‌نویسد: «الدین لیس مقوله حضاریه مکتسبه یمكن إعطاؤها و یمكن الإستغناء عنها، لأنها فی حاله من هذا القبیل لا تكون فطره الله؛ دین یک امر

مشکلات انسان معاصر و ضرورت بازخوانی اسلام ... ❖ ۲۵۵

مربوط به تمدن نیست که در طول تاریخ، انسان آن را کسب کرده باشد تا بتوان آن را به کسی بخشید، یا از کسی که از آن اظهار بی‌نیازی کند، گرفت؛ زیرا در این صورت، دیگر دین فطرت الهی نخواهد بود» (صدر، ۱۴۲۸: ۹۹).

حال با توجه به این نگرش به مشکلات انسان و جاودانگی و جامعیت دین، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه چنین دینی می‌تواند با زندگی انسان که هرگز رکود و جمود ندارد و همواره در حال تحول و تکامل در همه شئون مادی، فکری، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، تناسب و تطابق داشته باشد؟ در پاسخ به این پرسش و چگونگی نقش دین در زندگی انسان، شهید صدر به نظریه «مکتب» بودن دین روی آورده است. در این رویکرد، رسالت دین، کشف پدیده‌های خارجی و عینی و روابط بین آنها نیست که همواره نیاز به تغییر و دگرگونی پیدا کند؛ بلکه رسالت اسلام به عنوان یک دین، طراحی مبانی و چارچوب‌های اساسی حیات انسان و تبیین باید و نبایدهای اصولی است که بر اساس آن باید حرکت کرد. از این رو دین اسلام یک «مکتب» است نه علم. (صدر، ۱۳۵۰: ۳۹۶ و ۴۰۴).

ح) اسلام به مثابه مکتب

مکتب در اندیشه صدر عبارت است از: منظومه‌ای از بایدها و نبایدها، شایسته‌ها و ناشایسته‌ها که به صورت یک کل به هم پیوسته بر حول ایده‌آلی بزرگ شکل گرفته و زیربنای همه احکام و ساختارهای حیاتی و ابعاد اجتماعی انسان است. از این رو، فرهنگ، سیاست و اقتصاد را باید با ایده‌آلهای کلی و مکتب حاکم بر جامعه سنجیده شود (صدر، بی‌تا/الف: ۱۵). از منظر آیت‌الله صدر، اسلام یک مکتب نیرومند، عالی و مترقی است که بار مسئولیت رهبری اعتقادی و جهت دادن امت اسلامی به سوی عالی‌ترین هدفها و الگوها را به دوش می‌کشد (صدر، بی‌تا/ج: ۱۸). شهید از آن رو اسلام را مکتب می‌داند که معتقد است موضوع محوری در اسلام، هدایت انسانها و نشان دادن راه رسم درست زندگی در پرتو توحید و بندگی خدا و دستیابی به حیات طیبه و سعادت حقیقی است (صدر، ۱۴۲۹/ج: ۸۲-۷۶). از این رو، رسالت اسلام کشف واقعیات جزئی موجود یا صرف برانگیختن عواطف (صدر، ۱۳۵۰: ۳۶۶) نیست، بلکه به دگرگونی‌های عمیق ریشه‌دار در عمق جان و ادراک آدمی و جامعه انسانی توجه دارد. اسلام صرفاً یک سلسله آموزه‌های متفرقه و گزاره‌ای برای انسان نیست که فقط به بعدی از ابعاد انسان و اجتماع توجه کند؛ بلکه اسلام چون مکتب است به صورت منظومه‌ای و سیستمی بر تمام حوزه‌های فردی و اجتماعی سایه افکنده است. به این جهت، حرف کسانی که معتقدند: «اسلام تنها برای تنظیم روابط فردی برنامه دارد و برای روابط اجتماعی و کلان جامعه طرح و برنامه ای ندارد»، کاملاً باطل و ناشی از عدم شناخت اسلام است. مفهوم مرکزی و ایده‌آل بزرگ مکتب اسلام، همان ایده‌آل مطلق است که جز خدا کسی نمی‌تواند باشد (صدر، ۱۳۸۱: ۱۸۳) و بر پایه این مفهوم مرکزی، همه نظامات اجتماعی شکل می‌گیرد. ایشان می‌نویسد: «توحید، جوهر عقیده اسلامی است. با توحید اسلام، انسان از بندگی غیر خدا آزاد می‌شود. قبول کلمه لاله الا الله، هر گونه پرستشهای انحرافی را

از گذرگاه تاریخ انسان می‌زداید و انسان را از درون آزاد می‌سازد. آنگاه به عنوان نتیجه طبیعی این آزادی، انسان موفق می‌شود ثروتهای جهان و همه ذخایر آن را از مالکیت غیر خدا آزاد سازد؛ یعنی آزادی درونی، انسان را در خارج نیز از هر نوع وابستگی به غیر خدا آزاد می‌کند. (صدر، ۱۴۲۹/ب: ۳۲)

در نظر صدر، مفهوم مرکزی توحید و جهان‌بینی توحیدی زیرساخت اصلی دین اسلام و تمام نظامات انسانی و اجتماعی آن است و مبنایی برای ساختن جامعه و علم اسلامی است. این نگرش در مقابل جهان‌بینی و مکاتب حاکم بر غرب است که بر پایه جهان‌بینی مادی و نگرشهایی پوزیتیویستی و ماتریالیستی شکل گرفته‌اند و به همین دلیل نتوانسته‌اند راه حل مناسبی برای مشکلات بشریت و ایجاد زندگی سعادت‌مند جامع او باشند. شهید صدر با نقد رویکرد پوزیتیویستی و ماتریالیستی به نقش علم در حل معضلات تربیتی، اجتماعی و اقتصادی انسان معاصر، معتقد است دین اسلام می‌تواند به عنوان یک مکتب راهگشا و مفید برای عمل و زندگی، در جامعه امروز حضوری فعال، پویا و تعیین‌کننده داشته باشد (صدر، ۱۳۵۰: ۴۰۱-۳۹۲) و جامعه اسلامی را با همه نیازها و خواسته‌های موجودش پذیرا شود و آن را رهبری کند: «إنّ الاسلام قادر علی قیاده الحیاه و تنظیمها ضمن أطره الحیة دائماً؛ اسلام توان رهبری زندگی و تنظیم شئون آن، در طرحها و قالبهای زنده را برای همیشه داراست» (صدر، ۱۴۲۹/ب: ۴۳). به همین جهت رسالت اسلام، عملی و قابل تحقق در زندگی مردم است و تنها به ساختن امت اسلامی بسنده نکرده، بلکه درصدد ساختن نیرویی پرتکاپو از مسلمانان است که جهان را بسازند (صدر، بی‌تا/ب: ۸۱-۷۷). بدین ترتیب توجه به بازخوانی اجتهادی مکتب فکری اسلام و شکل‌گیری نظامهای اسلامی در سایه توحید، اولین قدم برای شکل‌گیری جامعه توحیدی، علم دینی و تمدن نوین اسلامی است. (ر.ک: سرلک و موسوی، ۱۳۹۳)

ط) ویژگی‌های نظریه شهید صدر

به طور کلی آرا و اندیشه‌های شهید صدر چند امتیاز ویژه دارد:

۱. توجه شهید صدر به مطالعه و شناخت مشکلات انسان معاصر توجهی درست و اساسی برای جهان امروز است. این مسئله یکی از مهم‌ترین مسائل مرتبط با حوزه تمدن و تمدن‌سازی است. اگر کسانی به دنبال شناخت تمدن موجود و افکندن طرحی برای تمدن آینده‌اند، حتماً ابتدا باید مشکلات انسان معاصر را که بخش عمده‌ای از آن محصول تمدن غرب است، به خوبی بشناسند و برای پاسخ به آن پاسخ مناسب داشته باشند؛ چرا که تمدن آینده متعلق به کسانی است که به مشکلات انسان معاصر، پاسخ مناسب و اقناع‌کننده بدهد. شهید صدر به خوبی به این مسئله توجه کرده و از این طریق، زمینه را برای طرح رسالت جهانی اسلام و تمدن نوین اسلامی فراهم کرده است. (ر.ک: صدر، بی‌تا: ۸۰)
۲. شهید صدر بر خلاف بسیاری از متفکران جهان اسلام که بر اساس مبانی و بنیادهای برگرفته از غرب به مطالعه و تحلیل انسان امروز و روابط اجتماعی او می‌پردازند، بر اساس انسان‌شناسی اسلامی به

مشکلات انسان معاصر و ضرورت بازخوانی اسلام ... ۲۵۷

تحلیل انسان معاصر پرداخته و سعی کرده است الگویی نظری برای تحلیلهای انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی ارائه کند که برآمده از تفکر اسلامی باشد. لذا با استمداد از آیات قرآن کریم و منابع دینی به تحلیل انواع روابط انسان با طبیعت و تبیین روابط اجتماعی برآمده و از این طریق، تناقض اساسی و مشکل اصلی در زندگی انسان معاصر را کشف کرده است.

۳. اگر چه شهید صدر نسبت به تمدن غرب نگاه انتقادی دارد، اما این نگاه انتقادی او را به دام نگرش افراطی و کاملاً سلبی نسبت به مظاهر علمی و تمدنی غرب نمی‌کشاند؛ بلکه نوعی اعتدال فکری و عملی بر اندیشه او حکمفرماست. به نظر او، محصولات علمی مبتنی بر شناخت طبیعت، همچون علوم طبیعی و پیشرفت ابزار تولید، فی نفسه دارای مشکل نیستند، بلکه همین علوم و شناخت از طبیعت و ابزار استخدام طبیعت، اگر در مسیر عدالت و روابط عادلانه اجتماعی باشند، موجب شکوفایی طبیعت و برقراری جامعه‌ای امن، دادگستر و بهتر می‌شوند. به نظر شهید صدر آنچه به این علوم جهت و ارزش می‌دهد، ایده‌آلها و اهداف انسان است. اگر ایده‌آلها اصلاح شوند، از این علوم استفاده بهتر می‌شود.

۴. اندیشه صدر علاوه بر آنکه ریشه در نظام فکری وی دارد، حاصل مواجهه عینی او با واقعیه‌های اجتماعی و انسانی نیز است. وی درصدد برآمد تا با مطالعه واقعیات جامعه، مشکلات فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی انسان معاصر را رصد و ریشه‌یابی کرده، با توجه به رصد و شناخت دقیق، راه حل ارائه کند. بنابر این، اندیشه او صرفاً توصیفی نیست، بلکه علاوه بر توصیف دقیق واقعیت مشکلات انسان معاصر، اندیشه و الگویی بیدار کننده و حرکت‌زا بود به همین جهت مبداء رشد آگاهی و خیزش جمعی از علما و طلاب حوزه علمیه نجف و شکل‌گیری گروه‌های فکری و تشکلهای سیاسی در کشور عراق شد.

۵. ویژگی دیگر اندیشه شهید صدر، نگرش تمدنی و اجتماعی به دین اسلام است. به نظر او، اسلام برنامه زندگی و آیین کمال و پیشرفت همه انسانها و جوامع است و کلیه لوازم زندگی اجتماعی سعادت‌مندان را در قالب مکتبی اصیل و مقرراتی متین ذیل توحید ارائه کرده است که توان برقراری وحدت در همه شئون حیات انسانی و تفاهم در همه روابط اجتماعی را دارد و تحت توحید و فطرت به همه نیازهای گوناگون مادی و معنوی انسان پاسخگوست. بنابر این، اسلام دین آینده بشریت است. (صدر، بی‌تا: ۵۸)

۶. آخرین ویژگی مهمی که می‌توان برای نظریه شهید صدر مطرح کرد، توجه او به عنصر اجتهاد و بازخوانی دوباره آموزه‌های اسلامی متناسب با نیازها و مشکلات انسان امروز است. به نظر وی، نمی‌توان توقع داشت که از اسلام در همان لباس معرفتی گذشته که توسط رجال دینی تفسیر شده است، برای پاسخ به نیازهای جدید انسان اکتفا کرد و حقیقت پرفروغ آن را به بشریت معرفی کرد؛ بلکه می‌بایست ضمن حفظ اصالت آموزه‌های برآمده از قرآن و سنت مطهر، واقعیت دین را متناسب با نیازهای زندگی کنونی انسان و به عنوان برنامه زندگی به جوامع معرفی کرد و آموزه‌های متعالی و مقررات سازنده و زندگی‌بخش آن را به صورت مکتب و نظام فکری منسجم و هماهنگ، ساماندهی و معرفی کرد تا از دل آن راه‌حلهای مناسب برای مشکلات انسان معاصر استنباط شود. در اندیشه وی، این مهم فقط از طریق اجتهاد و روش دقیق برآمده از متن اسلام ممکن است. (ر.ک: سرلک و موسوی، ۱۳۹۳)

ی) جمع‌بندی

شهید آیت‌الله صدر، با کنکاش دقیق در وضعیت انسان معاصر، به کشف و شناخت دقیق مشکلات و تناقضات مسلط بر روابط اجتماعی انسان معاصر پرداخت و با تفکیک میان نوع رابطه انسان با طبیعت و رابطه انسان با هموعان، مهم‌ترین مسئله انسان معاصر را جستجو در چیستی و کیفیت نظام اصلح و مسیر سعادت انسان دانست. از این رو، نظام‌سازی معرفتی و مکتبی، ضرورت اساسی برای حیات بشر است که نقش تعیین‌کننده‌ای در نظم زندگی انسان، هماهنگی میان انگیزه‌های درونی و مصالح عمومی و تغییر و تحول حیات انسانی ایفا می‌کند.

به نظر وی، مکاتب غربی همچون مارکسیسم و لیبرالیسم، به علت محدود بودن ایده و آرمانهایشان، نمی‌توانند مبنای خوبی برای نظام اصلاح و دغدغه اصلی انسان معاصر باشند تا بتوانند سعادت و رفاه جامع آنان را تأمین کنند، بلکه بر عکس، آنها در تهی کردن انسان از حقیقت وجودی‌اش و محدود کردن انسان به امور مادی مؤثر بوده‌اند؛ چرا که به همه جوانب زندگی و ساحات وجودی انسان توجه نداشتند و فقط به آرمانها و ایده‌آلهای مادی بسنده کردند؛ در حالی که تناقضات اجتماعی انسان، ریشه در تناقضی ریشه‌دارتر؛ یعنی تناقض درونی انسان دارد و تنها مکتبی می‌تواند این مشکل را در روابط انسانها حل کند که در یک زمان در دو سطح کار کند؛ هم در برطرف کردن تناقضهای اجتماعی در میدان تاریخی، تلاش کند و در همان وقت و قبل و بعد از آن، جدال درونی انسان را که ریشه در حب ذات دارد، حل کند و تناقضهای اجتماعی را از سرچشمه بخشکاند. به نظر صدر، فقط دین اسلام است که توانایی دارد توده‌ها را در معیار عملی و نظم اجتماعی، متحد و هماهنگ سازد و مصالح اجتماعی و همه جوانب زندگی را در چارچوب آن حفظ کند. چون «الله» را ایده‌آل مطلق خود قرار داده است، پس پیوسته می‌تواند مردم را به حرکت درآورد و نیرو ببخشد.

در منظومه فکری شهید صدر، توحید و جهان‌بینی توحیدی، زیرساخت اصلی دین اسلام و تمام نظامات اجتماعی را تشکیل می‌دهد و می‌تواند مبنای محکمی برای نظم اجتماعی، ساخت جامعه و علم باشد. از این رو، وی معتقد بود که اسلام را باید در قالب یک مکتب زندگی‌ساز به بشریت معرفی کرد و زمینه‌های تحقق عینی و عملی آن را فراهم کرد.

در مجموع، شش ویژگی مهم را می‌توان برای نظریه شهید صدر برشمرد که عبارتند از: ۱. طرح پرسش اساسی برای طرح تمدن نوین اسلامی؛ ۲. الگویی نظری برای تحلیل مسائل جامعه‌شناختی با استمداد از آیات قرآن کریم و منابع دینی؛ ۳. رویکرد انتقادی-اصلاحی به مظاهر تمدنی غرب و عدم افراط‌گرایی؛ ۴. توجه به عمل و حرکت اجتماعی در کنار توصیف و تحلیل نظری؛ ۵. نگرش تمدنی و اجتماعی به دین اسلام؛ ۶. توجه به عنصر اجتهاد و بازخوانی روشمند آموزه‌های اسلامی.



منابع

- سرلک، علی و سید مهدی موسوی (۱۳۹۳). «فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی از منظر شهید سید محمدباقر صدر». مجله علمی - پژوهشی مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۵۹ (تابستان).
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۵۰). اقتصاد ما، ج ۱. ترجمه محمد کاظم موسوی. تهران: انتشارات اسلامی.
- صدر، سید محمدباقر (بی تا/الف). اقتصادنا، ج ۲. ترجمه ع. اسپهبدی. تهران: انتشارات اسلامی.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۹ ق/الف). اقتصادنا (تراث شهید الصدر، ج ۳). قم: مرکز الابحاث و الدراسات للشهید الصدر.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۹ ق/ب). الاسلام يقود الحياه (تراث شهید الصدر، ج ۵). قم: مرکز الابحاث و الدراسات للشهید الصدر.
- صدر، سید محمدباقر (بی تا/ب). الفتاوی الواضحه. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۹ ق/ج). المدرسه اسلامیه (تراث شهید الصدر، ج ۵). قم: مرکز الابحاث و الدراسات للشهید الصدر.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۸ ق). المدرسه القرانیه (تراث شهید الصدر، ج ۱۹). قم: مرکز الابحاث و الدراسات للشهید الصدر.
- صدر، سید محمدباقر (بی تا/ج). رسالت ما. ترجمه محمد تقی رهبر. تهران: روزبه.
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۸۱). ستهای تاریخ در قرآن (تفسیر موضوعی). ترجمه سید جمال الدین موسوی اصفهانی. تهران: تفاهم.
- Sadr, Seyyed Mohammad Bagher (?). *Al-Fatava al-Vazihah*. Beyrouth: Dar-o-al-Ta'arof lel-Matbooa't.
- Sadr, Seyyed Mohammad Bagher (2008). *Al-Islam Yaghod-o-al-Hayat* (Torath al-Shahid Sadr, Vol. 5). Qom: the Center of Research and Lessons of Sadr.
- Sadr, Seyyed Mohammad Bagher (2008). *Al-Madresat-ol-Islamiah* (Torath al-Shahid Sadr, Vol. 5). Qom: the Center of Research and Lessons of Sadr.
- Sadr, Seyyed Mohammad Bagher (2008). *Al-Madresat-ol-Qoraniah* (Torath al-Shahid Sadr, Vol. 19). Qom: the Center of Research and Lessons of Sadr.
- Sadr, Seyyed Mohammad Bagher (1971). *Eghtesade Ma*. Vol. 1. Translated by Mohammad Kazem Mousavi. Tehran: Institute of Islami Publication.

- Sadr, Seyyed Mohammad Bagher (?). **Eghtesadona**. Vol. 2. Translated by A. Espahbodi. Tehran: Islami Publication.
- Sadr, Seyyed Mohammad Bagher (2008). **Eghtesadona** (Torath al-Shahid Sadr, Vol. 3). Qom: the Center of Research and Lessons of Sadr.
- Sadr, Seyyed Mohammad Bagher (?). **Resalate Ma**. Translated by Mohammad Thghi Rahbar. Tehran: Roozbeh.
- Sadr, Seyyed Mohammad Bagher (2002). **Sonnathaye Tarikh dar Quran**. Translated by Seyyed Jamaledin Mousavi Esfahani. Tehran: Tafahom.
- Sarlak, Ali and Seyyed Mahdi Mousavi (2014). "**Falsafe-ye- Ta'lim Va Tarbiat Islami az Manzare Shahid Sadr**". *Motalea'te Ma'refati dar Daneshgah Islami Magazine*, No. 59



Archive of SID